**منطق صلح در اسلام از پیش ساخته یا بازسازی شده**

**فاطمه رحمانخواه گلسفیدی**

دانشجوی دکترای ادیان و عرفان واحد تهران مرکز

Frahman5694@ymail.com

**چکیده**

در بازخوانی یک متن تاریخی و واخوانی یک رویداد ، اندیشه، نگاه یا عقیده، معمولا اهل دقت سخت مراقبند تا در چارچوب منطق معروف به (از پیش ساخته) به تدقیق مبادرت کنند و به همین رویه بسیار مراقب ترند تا در ورطه منطق بازسازی شده از سوی مراجعین به متن مورد بحث، اعم از هوادار و مخالف و معاند سقوط نکنند. بدیهی است در چنین مواقعی به همان اندازه که از منطق ذاتی و از پیش ساخته انحراف حاصل شود به همان میزان منطق بازسازی شده، فاصله های میان دریافت صحیح و موجه را با واقع نفس الامری موضوع مورد بحث فزونی می بخشد. مفهوم صلح و واقعیت آن در اسلام از جمله مفاهیمی است که متاسفانه در بسیاری از موارد دستخوش بلیه انحراف شده و در سایه حملات خصمانه و البته صد در صد آگاهانه مخالفین و معاندین و در عین حال کم کاری بزرگان مسلمین و افزون بر آن پاره ای از عملکردهای متدینین و ... بیش از آنکه بر بستر واخوانی بر مبنای منطق از پیش ساخته مورد مراجعه و قرایت قرار گیرد بر مبنای منطق بازسازی شده به معرض دید عموم فرستاده شده است و حاصل این کوتاهی و غفلت از یک سو و آن معاندت و خصومت از سوی دیگر آنکه این روزها پیوند میان اسلام و صلح بیشتر ادعا و کمتر واقعیت قلمداد می شود. نظر به آنچه گذشت در تحقیق حاضر تلاش می شود در سایه واخوانی منطق صلح در اسلام از میان کتاب سنت و آموزه های دینی به این سوال اساسی پاسخ داده شود که، منطق صلح در اسلام منطقی است از پیش ساخته یا یا بازسازی شده و فرضیه بحث که گمانه ای احتمالی است در پاسخ به سوال اصلی این چنین تقریر می شود که: مبتنی بر کتاب مقدس مسلمانان و آموزه های دینی و سیره و سنت تاریخی بزرگان اسلامی صلح ذاتی اسلام است و باید در سایه منطق از پیش ساخته مورد تدقیق و اعلام قرار گیرد. روش تحقیق نوشته حاضر، از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است

**کلمات کلیدی:** صلح، اسلام، منطق از پیش ساخته، منطق بازسازی شده